

تفاوت عاشقانه‌های عربی با عاشقانه‌های ایرانی



مریم حسینی
استاد ادبیات فارسی

متنی که کمرون کراس برگزیده است، از میان متون حماسی یا عرفانی نیست؛ بلکه متنی غنایی، داستانی عاشقانه و منظوم از قرن پنجم هجری است که نگارنده کتاب را به میدانی وسیع از مطالعات در حوزه‌های مختلف واداشته است. آنچه در توری اولیه کتاب چشمگیر است، تنوع و گستردگی مباحث مطروحه در مورد منظومه‌های شعر فارسی است که با مطالعه عمیق و استناد به منابع اصیل همراه شده است. حجم بالای مطالعات این پژوهشگر، خواننده را به شگفتی می‌اندازد. کراس بیش از ۱۵۰ کتاب و مقاله به فارسی دیده، بیست‌و‌اندی منبع عربی را کامل استفاده کرده و حدود ۶۰۰ منبع از زبان‌های انگلیسی، آلمانی، فرانسه و ایتالیایی را مطالعه کرده است. کراس تمام کتاب‌ها، مقاله‌ها و یادداشت‌هایی را که درباره «ویس و رامین» در سراسر دنیا به هر زبانی که نوشته شده باشد، خوانده و آنچه برای من شگفت‌آور می‌نماید این است که تمام منابع فارسی را حتی مقاله‌های علمی پژوهشی جدید ما را که بچه‌های کم‌سن ما هم نوشته‌اند، از نظر گذرانده است. اولین اهمیت این کتاب، اینکه جزو معدود کتاب‌های مستشرقان است که به این جامعیت و گستردگی صورت گرفته است. «ویس و رامین»، یک متن غیردینی از منظومه‌های بزمی و عاشقانه است و کراس ژانری را برگزیده که به‌طور مفصل در کتاب درباره آن و دوران آن صحبت کرده است؛ عصری که در قرن پنجم در حال شکل‌گیری است و آن را رنسانس ایرانی نامیده‌اند. فصل دوم «در جست‌وجوی رماس» درباره نهضت ترجمه متون پهلوی به عربی نوشته شده و کراس بر این نظر است که ایرانیان در این سال‌ها، آثار ادبی فراوانی به زبان عربی تولید کرده‌اند. او حتی عبارت معروف استاد زرین‌کوب را این‌گونه واسازی می‌کند که در قرن‌های بعد از فتوحات اعراب، ایرانیان دو قرن سکوت نکردند، بلکه بی‌تردید بسیار سخن گفتند؛ اما به زبان عربی، عبدالله بن مقفع، یکی از سخنوران ارجمند ایرانی این سال‌هاست که متون پهلوی را به زبان عربی برگرداند. این ندیم در کتاب «الفهرست»، تاریخچه مختصری از نهضت ترجمه ارائه داد. کراس در کتاب، دیدگاه‌های منتقدان غربی را از نظر می‌گذراند، او در بخش‌های مختلف کتاب به مقایسه تطبیقی منظومه «ویس و رامین»، «ورقه و گلشاه»، «وامق و علرا» و... می‌پردازد، آن را با منظومه‌های غربی یونانی و رومی مقایسه می‌کند و می‌نویسد: «وقتی منظومه‌ها را مقایسه کردم، دیدم در داستان‌هایی که الگوی عربی دارند مثلاً مثل داستان «ورقه و گلشاه» و «لیلی و مجنون»؛

عاشقان منفصل، پاکدامن، فداکار و زاهد هستند و مرگشان شبیه شهیدان ترازیک است اما در متونی که خاستگاه ایرانی دارند: عاشقان اشرافی و قهرمان هستند، در جنگ مهارت دارند، ماجراهای فراوانی را پشت‌سر می‌گذارند، جامه مبدل می‌پوشند و در نهایت با خوبی و خوشی ازدواج می‌کنند». ده نامه‌ای که ویس به رامین می‌نویسد، آغازگر نوعی ده‌نامه‌نویسی در ادبیات فارسی است. ما در طول تاریخ ادبیات فارسی، شاعران بسیاری داریم که بعد از این در قرون دیگر ده‌نامه می‌نویسند و ده‌نامه‌های آنها مشهور است. آغاز ده‌نامه‌نویسی با همین کتاب «ویس و رامین» از فخرالدین اسعد گرگانی است. کراس درباره خود فخرالدین اسعد گرگانی، پژوهش مفصلی می‌کند و درباره دانش و فضل او و تسلط‌اش بر علوم مختلف - حتی ستاره‌شناسی - سخن می‌گوید. او نه تنها از اطلاعات تاریخی استفاده کرده و گستره دانش خود را در متون تاریخی و تاریخ دوره ایران و تاریخ دوره «ویس و رامین» عقب می‌برد تا دوره پارثیان، اشکانیان و ساسانیان؛ بلکه رویکردهای منتقدانه و نقد ادبی را به کار می‌بندد. او در اثرش از نظریه‌بینان متنی استفاده می‌کند، از نظریه افق انتظارات رابرت یاس، در موضوع ژانر بهره می‌برد. او آرای فمینیستی ژولیا کریستوا، نظریه‌عادتواره بورديو و نظریه چندآوایی باختین را هم به کار گرفته است.

باز یکی از بحث‌های مهم کراس در این کتاب، منابع احتمالی «ویس و رامین» و خاستگاه‌های آن است. برخی خاستگاه‌های عربی، یونانی یا رومی را مطرح کرده‌اند، اما کراس، نظر مینورسکی را که اولین بار اعتقاد دارد داستان «ویس و رامین» مربوط به دوره اشکانیان و پارت‌هاست، می‌پذیرد. او طی این مطالعه نظرات پژوهشگران ایرانی مثل دبیع‌الزمان فروزانفر، ذبیح‌الله صفا، مرحوم احمد تفضلی، استاد زرین‌کوب و استاد محجوب را جمع‌بندی می‌کند. کراس در این کتاب به ترجمه گرجی کتاب «ویس و رامین» در فاصله اندکی بعد از سرودن آن نیز اشاره می‌کند. احتمالاً این منظومه، اواخر قرن پنجم - ۳۰ تا ۲۰۰ سال بعد از نوشته‌شدن اصل اثر به زبان گرجی ترجمه می‌شود و همین اتفاق مهمی است که موجب‌شده این اثر در ناحیه قفقاز ادامه پیدا کند و به احتمال زیاد، نظامی هم این اثر را به زبان گرجی دیده باشد.

گزارش ادبیات



عبدالله بن مقفع

عاشقانه مهجور

گفتارهایی از استادان فرهنگ و ادب درباره ویس و رامین منظومه جاودان فخرالدین اسعد گرگانی

نشابه «وامق و عذرا» با «میتوخی و پارتی نووه»

بواوتاس / ایران‌شناس سوئدی



همکار عزیز انتشار ترجمه کتاب ارجمند «بوطیقای عشق رمانتیک در ویس و رامین» نوشته کمرون کراس را به شما شادباش می‌گویم. امیدوارم آن توجهی را که شایسته‌اش است، جلب کند و به دست خوانندگان بسیاری در ایران برسد. هم داستان اصلی و هم «داستان داستان»، یعنی پیشرفت ماجراجویانه «ویس و رامین» در طول دست‌کم هزار سال، بسیار مهیج است. این موضوع به‌خوبی در رساله کمرون کراس توصیف شده است. من بی‌نهایت از کتاب او در نوشتن مقاله‌ای درباره شباهت‌های شگفت‌انگیز بین داستان عاشقانه ایرانی «ویس و رامین» و داستان اروپایی «تریستان و ایزولت» بهره بردم. این مقاله در سال ۲۰۲۰ با عنوان «در جست‌وجوی زیبایی پنهان یک خویش ایرانی و یک خواش پارسی» در یادنامه پاتولا اورسائی، با عنوان تاج‌فیروزه‌ای صفحات ۲۲۵ تا ۲۴۰ منتشر شد. نتیجه‌گیری نهایی من درباره این داستان عاشقانه دوگانه، با این خلاصه کم‌بیش شاعرانه به پایان می‌رسد: «به‌صورت نمادین دو عاشق ایرانی در دخمه زرتشتی خود، در برج سکوت آرمیده‌اند و هم‌زمان تریستان و ایزولت در بوته سبز، پرتراوت و پربرگی که از مقبره‌هایشان روییده، به حیات خود ادامه می‌دهند.» این ماجرا مربوط به پنج سال پیش است. از آن‌زمان همکارم کراس، تحلیل خود را درباره داستان‌های عاشقانه ایرانی و منظومه‌های مشابه آن، به شیوه‌های بسیار جالبی گسترش داده است. او خود بهترین فرد برای گفتن این موضوع به شملت.

از سر اتفاق، مسیرهای ما به شیوه‌های بسیاری با هم تلاقی کرده است. در سال ۲۰۰۳، همراه با یک همکار سوئدی توماس هاگ که در ادبیات یونانی تخصص دارد، کتابی درباره منظومه پارسی اولیه دیگری به‌نام «وامق و عذرا» منتشر کردند. ما کشف کرده بودیم، داستانی که این منظومه پارسی روایت می‌کند، منظومه‌ای که حدود سال ۱۰۲۰ میلادی در دربار محمود غزنوی نوشته شده بود، از منبع یونانی تقریباً هزار سال قدیمی‌تری گرفته شده است؛ رمانسی به‌نام «میتوخی و پارتی نووه»، شوربختانه از هر دو داستان یونانی و پارسی، تنها تکه‌پاره‌هایی باقی مانده است. توماس هاگ و من، آنچه را از هر دو نسخه باقی مانده است، در کتابی با عنوان «باکره و عاشق: تکه‌های یک رمانس باستانی یونانی و منظومه عاشقانه پارسی» در سال ۲۰۰۳ منتشر کردیم. کمرون اکنون، در بحث مطالعات تطبیقی در مانس‌های پارسی اولیه، روی تحلیلی تاریخی درباره اهمیت این متن کار می‌کند. اخیراً فرصتی داشتم که شخصاً با او ملاقات و درباره این کار بحث کنم. شاید او کمی درباره مطالعات بسیار جالب‌اش در این زمینه به شما بگوید. اکنون در پایان، بهترین آرزوها را برایتان دارم به‌خاطر تلاش‌هایتان در گسترش دانش میراث فرهنگی عظیم‌تان.

اقلیم‌های عشق در فرهنگ ایرانی

مسعود جعفری‌جزی

استاد زبان و ادبیات فارسی



اقلیم‌های عشق در فرهنگ و ادبیات ما را باید گنجینه‌ای دانست. گنجینه عاشقانه ادب فارسی، اقلیم‌های متفاوتی دارد که از زمین تا آسمان فرق دارند. بر ماست که ببینیم چقدر ثروت داریم و آیا می‌توانیم از این ثروت و گنجینه استفاده کنیم یا نه؟

یک اقلیم، همین «ویس و رامین» است که قدیمی‌ترین و

حرص و طمع کاری خلاف خوشبختی و منافع ویس انجام نمی‌دهد. درست است که در مواردی به جادو می‌پردازد ولی این کارها از نظر داستانی، عاقلانه و منطقی و در جهت گشایی است. علاقه دایه به ویس نیز به‌مراتب پررنگ‌تر است، از علاقه شهرو به دخترش. دایه این داستان نیز مانند دایه در همه داستان‌ها، سعی می‌کند برای همه گرفتاری‌ها چاره‌ای بیابد.

فصل پنجم کتاب که به خنیاگری در رمانس اختصاص دارد، نقش موثر گوسان‌ها را نشان می‌دهد و به‌نظر من، فصلی است بسیار خواندنی؛ چون همه ما می‌دانیم که در انتقال داستان‌های عاشقانه و حتی در مسائل تاریخی، رساندن پیام‌های هوشیاردهنده گوسان‌ها نقش عمده و تأثیرگذاری داشت و خوشبختانه در این مورد هم پژوهش‌های ارزنده‌ای انجام شده است. کراس هم علامه بدان پرداخته است. نامه‌نگاری نیز در منظومه «ویس و رامین»، بسیار کلیدی و جالب است و اگر اشتباه نکنم در حدود ۱۰ نامه و چندین پیام ردوبدل می‌شود. اینها خود گویدای فرهنگ نامه‌نگاری در آن دوران است و نامه‌ها نیز آکنده است از مطالب جالب، به‌نظر من، در این اثر زیاد به این نامه‌ها توجه نشده است در حالی که حتی کتاب‌هایی هست که فقط این نامه‌ها را مورد بررسی قرار داده‌اند.

در اهمیت خواندنی‌شی مترجم

حسن انوری / استاد زبان و ادبیات فارسی



منظومه «ویس و رامین» از جهات گوناگون شایان اهمیت است. یکی از جهت، قدمت داستانی است که ۱۵۰۰ سال پیش به زبان پهلوی نوشته شده و به احتمال زیاد قدیم‌تر از آن در میان مردم شایع بوده است. حدود ۵۰ سال پیش، ناشری از شادروان دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن خواسته بود، یک دوره گزیده از منظومه‌های فارسی را سرپرستی کند. «ویس و رامین» جزو آنها بود که دکتر اسلامی انتخاب کرده بود و آن را به من پیشنهاد کرد که به‌صورت گزیده شرح کنم. مدتی کار کردم که دکتر اسلامی اطلاع داد، ترتیب یا تنظیم آن مجموعه و قرارداد با ناشر لغو شده است. به من پیشنهاد کرد که اگر منظومه «ویس و رامین» را شروع کرده‌ام برای خودم باشد؛ چون ایجاد و تألیف این مجموعه منتفی شده است. این خاطره از دیگر عللی بود که من علاقه داشتم کار نیمای عزیز را ببینم و در همایش شرکت کنم. نیما با سن کم، جوانی باسواد، مبتکر و نمونه است. یکی از خصوصیات استاد دهباشی این است که چنین جوانانی را برمی‌کشد و به آنها امکان می‌دهد خودانگیزی کنند. خودانگیزی یعنی اینکه در ذهنیت انسان، بالقوه استعداد زیادی هست که باید آن را بالفعل بکند. فلاسفه، مخترعان و کاشفان، کسانی بودند که با خودانگیزی فرضیه‌های فلسفی را به‌وجود آوردند یا کارهای شایان به‌ظهور رساندند. اگر از قدمای ما کسی به این نکته اشاره کرده باشد، حافظ شیرازی است در غزل: «ای دل به کوی عشق گذاری نمی‌کنی / اسباب جمع داری و کاری نمی‌کنی / چوگان حکم در کف و گویی نمی‌زنی / باز ظفر به دست و شکاری نمی‌کنی / این خون که موج می‌زند اندر جگر تو را / در کار رنگ و بوی نگاری نمی‌کنی». چوگان که حافظ می‌گوید، همان استعداد بالقوه است و گویی‌زدن، به‌فعل درآوردن آن. نیما می‌تواند کارهای بزرگی انجام دهد و به‌نظر من، از کسانی است که مصداق شعر حافظ‌اند و توانسته استعداد بالقوه خود را به‌فعل تبدیل کند. این چند کلمه را در تخت بیمارستان و در ۹۲ سالگی نوشتم. آقای دهباشی اگر زمان امان دهد، مطلب و مقاله بهتری در خصوص «ویس و رامین» و کار نیما خواهیم نوشت.

ترانه مسکوب

نویسنده

عصر پنجشنبه، پانزدهم آبان‌ماه ۱۴۰۴، نهمد و چهارمین شب مجله بخارا، به شب «ویس و رامین و بوطیقای عشق رمانتیک» اختصاص یافت. در این شب که به مناسبت انتشار ترجمه‌ای از کتاب «بوطیقای عشق رمانتیک در ویس و رامین و منظومه‌های عاشقانه» اثر کمرون کراس از سوی انتشارات خوارزمی برگزار شد، نخست علی دهباشی به مهمان خوشامد گفت، سپس اساتید زبان و ادبیات فارسی؛ ژاله آموزگار، مریم حسینی، مسعود جعفری‌جزی و گودرز آشتیانی و نیما ظاهری (مترجم اثر) به سخنرانی پرداختند. قرائت پیام بواوتاس، کرون کراس و حسن انوری از دیگر بخش‌های این مجلس بود. در ادامه گزارشی از این نشست تقدیم خوانندگان خواهد شد.

نیما ظاهری:

در میان این همه داستان عاشقانه شبیه به هم، چه چیزی «ویس و رامین» را از دیگران متمایز می‌کند. نقطه قوت و قدرت «ویس و رامین» در واقع گذشته از هنر شاعری سراینده آن، در همین دستکاری‌هایی است که فخرالدین اسعدگرگانی در مفروضات ما از اصول عشق رمانتیک می‌کند و در منظومه‌اش و شخصیت‌هایش، قوانین بسیاری را صریحاً یا تلویحاً زیر پا می‌گذارد

شخصیت دایه در «ویس و رامین» کلیدی است

ژاله آموزگار / استاد زبان‌های باستانی



کتاب حاضر رساله دکتری کمرون کراس و اثری شیرین و خواندنی است. در آثار بزمی و عاشقانه ادبیات فارسی به‌خصوص در شاهکارهای نظامی، در «ویس و رامین» فخرالدین اسعد گرگانی و در بخش‌های حماسی منقول در شاهنامه و گرشاسب‌نامه و صحنه‌های لطیف و عاشقانه این آثار باید به اصل آنها در ادبیات پیش از اسلام توجه کرد. همانطور که می‌دانید مطالب اوستا یا آثاری که ما به زبان پهلوی از گذشته ایران در دست داریم، بیشتر آثار دینی زرتشتی هستند و چند اثر مانند یادگار زریران، خسرو و ریدگ و... که ما به‌اصطلاح آنها را آثار غیردینی به زبان پهلوی می‌نامیم، به‌نحوی همچنان بازگوکننده آثار دینی است. به‌هرروی، شکی نیست که آثار ادبی غیردینی - چه به‌نثر و چه به شعر - آثار بزمی و داستان‌های فراوانی در آن دوران وجود داشت که جا پای برخی از آنها را در ترجمه‌های عربی و فارسی می‌توان دید. ولی کلاً این آثار از پشتیبانی دینی بر خوردار نبودند و حتی موبدان نسبت به آنها نظر منفی داشتند. همچنین به‌دلیل سنت شفاهی، این داستان‌ها بیشتر بر زبان گوسان‌ها یا خنیاگران جاری می‌شد و به کتابت در نمی‌آمد. همچنین به‌دلیل تعصبات دینی، جنگ‌ها، ستیزها، تحول زبان پهلوی به زبان فارسی، تحریر خط پهلوی به خط پهلوی عربی و تحمیل وزن شعر هجایی و عروضی به این آثار که بیشتر سینه‌به‌سینه حفظ و همراه با موسیقی خوانده می‌شدند، این آثار در بوته فراموشی افتادند و از رونق افتادن موسیقی و ممنوع‌بودن آن هم به این فراموشی کمک کرد.

اما در مورد این اثر باید گفت که هسته اصلی این کتاب، داستان ویس و رامین است. گرچه در عنوان آمده است: «بوطیقای عشق رمانتیک در ویس و رامین و منظومه‌های عاشقانه» و در جای جای کتاب به منظومه «ورقه و گلشاه» اثر عیوقی و نیز به داستان «تریستان و ایزولت» اشاره می‌شود، ولی اصل بحث درباره «ویس و رامین» است. این رساله بسیار علمی و مستند تهیه شده است. مقدمه‌ای نیز دارد که کلیات را شامل می‌شود. در ادامه فقط به دو، سه مورد از این مجموعه که بیشتر توجه‌م را جلب کرد، اشاره می‌کنم. یکی در مورد شهبانوان و دایگان در زیر مجموعه مفصل و جدان است. من شخصیت دایه را در مجموعه «ویس و رامین» بیشتر از آنچه کمرون کراس اشاره کرده است، مهم و کلیدی می‌دانم. برعکس شهرو، مادر ویس که تطمیع می‌شود و مطابق میل موبد‌شاه عمل می‌کند، دایه اگرچه در موقعیت‌های مختلف خلعت و انعام دریافت می‌کند، ولی هرگز به‌دلیل